جلسه 124-476

**یک‌شنبه - 01/04/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

قول اول در شهادت ثالثه (مشهور): جزء مستحب اذان و اقامه نیست

بحث راجع به شهادت ثالثه در اذان و اقامه بود. مشهور بین فقهاء شیعه این است که شهادت ثالثه اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان نیست. یعنی نه تنها جزء واجب اذان نیست یا جزء واجب اقامه نیست (که این مطلب متسالم‌‌علیه بین اصحاب است) بلکه جزء مستحب اذان و اقامه هم نیست. یعنی مثل قنوت نماز که جزء مستحب نماز است نیست. و لکن ذکر شهادت ثالثه در اذان و اقامه به قصد استحباب نفسی شهادت به ولایت در هر حال مانعی ندارد. این قول مشهور بین فقهاء شیعه است.

اما در مسأله سه قول دیگر هم هست که آن‌ها را عرض می‌‌کنیم:

قول دوم: به قصد رجاء جزئیت مستحبه دارد

قول اول این است که گفته می‌‌شود هر چند ما دلیلی بر این‌که شهادت ثالثه جزء مستحب اذان یا اقامه است نداریم و لذا نمی‌تواند کسی شهادت ثالثه در اذان یا اقامه بگوید به قصد جزئیت جزما، نمی‌تواند کسی این کار را بکند چون این تشریع محرم است، اما به قصد رجاء جزئیت مستحبه گفتن آن مانعی ندارد و مشمول اخبار من بلغ خواهد بود.

مثلا مرحوم مجلسی اول در روضة المتقین جلد 2 صفحه 245 در ذیل کلام صدوق که تعبیر کرد المفوضة لعنهم الله قد وضعوا اخبارا و زادوا بها فی الاذان محمد و آله محمد خیر البریة مرتین و فی بعض روایاتهم بعد اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان علیا ولی الله مرتین و منهم من روی بدل ذلک اشهد ان علیا امیرالمؤمنین حقا مرتین و لاشک ان علیا ولی الله و انه امیرالمؤمنین حقا و ان محمدا و آله خیر البریة و لکن ذلک لیس فی اصل الاذان، مرحوم مجلسی اول در شرح این عبارت من لایحضره الفقیه به آن اشکال کرده. فرموده: الجزم بان هذه الاخبار من موضوعاتهم مشکل (این‌که ایشان مرحوم صدوق جازم است به این‌که این روایاتی که وارد شده در جزئیت شهادت ثالثه در اذان از جعلیات مفوضه است که غلات شیعه بودند، این مشکل است) و الظاهر ان الاخبار بزیادة هذه الکلمات کانت فی الاصول و کانت صحیحة ایضا کما یظهر من المحقق و العلامة و الشهید رحمهم الله فانهم نسبوها الی الشذوذ و الشاذ ما یکون صحیحا غیر مشهور مع ان الذی حکم بصحته شاذ کما عرفت فبمجرد عمل المفوضة أو العامة علی شیء لایمکن الجزم بعدم ذلک أو الوضع الا ان یرد عنهم علیهم السلام ما یدل علیه و لم یرد مع ان عمل الشیعة کان علیه فی قدیم الزمان و حدیثه و الظاهر انه لو عمل علیه احد لم یکون ماثوما الا مع الجزم بشرعیته فانه یکون مخطئا.

ایشان فرموده است وقتی روایاتی در شهادت ثالثه در اذان و اقامه داریم (که ظاهر این است که این روایات در اصول، کتاب‌های اصول شیعه بوده است و روایات صحیحه هم بوده است همان‌طور که ظاهر کلام محقق حلی و علامه حلی و شهید اول است چون تعبیر کردند روایات شاذه، شاذ یعنی آنی که صحیح است و لکن مشهور نیست) به مجرد عمل مفوضه به این روایات که انسان جزم پیدا نمی‌کند به این‌که این روایات وضع شده و جعل شده. و عمل شیعه بر ذکر شهادت ثالثه در اذان بوده در گذشته و حال. پس چه اشکال دارد که انسان به رجاء جزئیت شهادت ثالثه در اذان، اذان بگوید.

یا مرحوم آقای حکیم در مستمسک فرموده‌اند: چه اشکالی دارد ما قاعده تسامح در ادله سنن را این‌جا پیاده کنیم. وقتی روایاتی هست راجع به جزئیت شهادت ثالثه در اذان و ما احتمال صدق این روایات را می‌‌دهیم چه مانعی دارد به قصد رجاء جزئیت ما شهادت ثالثه در اذان بگوییم؟ همان‌طور که به قصد استحباب مطلق هم می‌‌توانیم بگوییم چون در حدیثی در کتاب احتجاج آمده است اذا قال احدکم لااله‌الاالله محمد رسول الله فلیقل علی امیر المؤمنین.

بعد مرحوم آقای حکیم در مستمسک فرموده است در عصر ما شهادت ثالثه از شعائر مؤمن بودن است و رمز تشیع است و از این جهت رجحان شرعی پیدا می‌‌کند بلکه چه بسا واجب می شود اما نه به عنوان جزئیت در اذان.

بعد مرحوم آقای حکیم فرموده است از این‌جا معلوم می‌‌شود وجه آن‌چه که علامه مجلسی در بحار فرموده که لایبعد کون الشهادة بالولایة من الاجزاء المستحبة للاذان لشهادة الشیخ و العلامة و الشهید و غیرهم بورود الاخبار بها.

این هم فرمایش مرحوم آقای حکیم است در مستمسک جلد 5 صفحه 544.

مرحوم آقای خوئی به آقای حکیم ایراد گرفتند. فرمودند: قطعا شهادت ثالثه جزء اذان نیست و راهی برای این‌که ما با قاعده تسامح در ادله سنن اثبات استحباب شهادت ثالثه را در اذان بکنیم نیست. چرا؟ برای این‌که اولا قاعده تسامح در ادله سنن استحباب را اثبات نمی‌کند، صرفا اثبات می‌‌کند که ثواب به آن می‌‌دهند و لو از باب تفضل. ثواب می‌‌دهند بر کسی که رجاءا این کار را بکند نه این‌که این کار مستحب است، کاری که بلغه الثواب. علاوه بر این‌که در این‌جا بلوغ ثواب تنها نیست، موضوع اخبار من بلغ بلوغ ثواب فقط است این‌جا عدم ثواب هم وارد شده است. چون راوی این روایات استحباب شهادت ثالثه در اذان شیخ طوسی و صدوق هستند خودشان فرمودند قطع به کذب این روایات است. علاوه بر این‌که اگر شهادت ثالثه جزء اذان بود لااقل ائمه طاهرین نقل می‌‌شد یک بار شهادت ثالثه را در اذان گفته‌اند در حالی که هم‌چون چیزی نبوده. این نشان می‌‌دهد که قطعا شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه و لو جزء مستحب آن نیست.

اما روایت احتجاج که بطور عموم دارد اذا قال احدکم لااله‌الاالله محمد رسول الله فلیقل علی امیرالمؤمنین ضعیف السند است و قابل استدلال نیست مگر بناء بر قاعده تسامح در ادله سنن که ما آن را قائل نیستیم و شاید این‌که در بحار جلد 81 صفحه 111 فرمودند شهادت ثالثه از اجزاء مستحبه اذان است استناد کردند به همین روایت احتجاج یا به شهادت شیخ صدوق و شیخ طوسی به وجود روایات شاذه که ما جواب آن را مطرح کردیم.

بعد مرحوم آقای خوئی فرمودند و لکن الذی یهون الخطب اننا فی غنی من ورود النص اذ لاشبهة فی رجحان الشهادة الثالثة فی نفسها بعد ان کانت الولایة من متممات الرسالة و مقومات الایمان و من کمال الدین و لاسیما و قد اصبحت فی هذه الاعصار من اجلی انحاء‌ الشعار و ابرز رموز الشیع فهی اذا امر مرغوب فیه شرعا و راجحا قطعا فی الاذان و غیره و ان کان الاتیان بها فی الاذان بقصد الجزئیة بدعة باطلة و تشریعا محرما حسب ما عرفت. موسوعه مرحوم آقای خوئی جلد 13 صفحه 259.

انصاف این است احتمال جزئیت مستحبه شهادت ثالثه در اذان را نمی‌شود نفی کرد. حالا بر فرض این روایاتی که به تعبیر شیخ صدوق مفوضه مطرح می‌‌کردند روایات جعلی بوده اما احتمال ثبوتی که دارد شهادت ثالثه جزء مستحب اذان باشد. چه اشکال دارد کسی به قصد رجاء آن را بیاورد. این‌که ائمه علیهم السلام یک بار هم این را در اذان نگفتند بله علنی نفرمودند شاید بخاطر تقیه بوده. یا تقیه بر خودشان یا تقیه بر شیعه، شاید سری می‌‌فرمودند. احتمال جزئیت مستحبه شهادت ثالثه در اذان را نمی‌شود نفی کرد.

و لذا این قول دوم مقتضای صناعت است.

قول سوم: جزئیت مستحبه در اذان

قول سوم قول به جزئیت مستحبه شهادت ثالثه در اذان است. برخی قائلند که حتما شهادت ثالثه جزء مستحب اذان است. مثل این‌که قنوت در نماز جزء مستحب است. کتابی هم در این رابطه نوشته شده به نام الشهادة الثالثة که هم اثبات می‌‌کند که شهادت ثالثه جزء مستحب اذان و اقامه است و هم بالاتر می‌‌خواهد اثبات کند جزء مستحب تشهد هم هست. در تشهد نماز هم مستحب است شهادت ثالثه بر خلاف نظر جل فقهاء که می‌‌گویند شهادت ثالثه در نماز مبطل نماز است چون نه ذکر الله است نه ذکر النبی است نه دعا است نه قرائت قرآن است پس مصداق تکلمی است که خارج از این عناوین است و تکلم در نماز مبطل نماز است، ‌بر خلاف این نظر جل فقهاء ‌برخی خواسته‌اند اثبات کنند در نماز هم شهادت ثالثه در تشهد مستحب است و به طریق اولی در اذان و اقامه مستحب خواهد بود. و این مطلب را در کتاب الشهادة الثالثة‌ به خیلی از فقهاء شیعه نسبت دادند.

ما قبل از این‌که کلماتی که از فقهاء شیعه و همین‌طور روایات مطرح می‌‌شود این را عرض کنیم:

بحث ما در ذکر اسماء ائمه علیهم السلام در نماز به نحوی که مصداق دعا باشد یا متمم ذکر خدا باشد نیست. قطعا رجحان دارد ذکر اسم ائمه در نماز یا به عنوان دعا اللهم صل و سلم علی الائمة علیهم السلام و لو با ذکر اسم ائمه به تفصیل که مصداق دعا است، ‌مصداق مناجاة الرب است که در نماز مستحب است و یا متمم ذکر خدا بخواهد باشد، ‌این هم قطعا اشکال ندارد. مثلا بگوید وجهّت وجهی للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة امیرالمؤمنین که مرحوم شیخ طوسی در کتاب اقتصاد این را مطرح کردند. صفحه 260 از کتاب اقتصاد. این مصداق ذکر الله است، ‌متمم ذکر الله است؛ این‌که مشکلی ندارد. یا مثلا بگوید اللهم انی اتوجه الیک و اتقرب الیک بمن اوجبت حقهم علیّ محمد و علی و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن که مرحوم حلبی در کافی مطرح می‌‌کند، این هم قطعا اشکال ندارد. چون مصداق ذکر الله است. حتی در نماز اشکال ندارد تا چه برسد که کسی بخواهد در اذان و اقامه دعا بکند و لو جزء اذان نیست. پس بحث در شهادت ثالثه‌ای است که بخواهد به عنوان شهادت ثالثه، اشهد ان علیا ولی الله در اذان مطرح بشود یا در نماز مطرح بشود که مشهور فقهاء شیعه در نماز می‌‌گویند جایز نیست بلکه مبطل نماز است ولی در اذان از باب استحباب مطلق نه از باب جزئیت اذان مانعی ندارد.

برخی از کلمات فقهاء را که در کتاب الشهادة الثالثة ذکر کردند مطرح کنیم. راجع به این‌که شهادت ثالثه جزء اذان است استشهاد کردند به همان کلماتی که دال بر این بود که روایاتی در این رابطه است که جوابش این بود که این روایات را خود مرحوم صدوق فرمودند روایات شاذه‌ای است که مفوض این‌ها را جعل کردند. اما شهادت ثالثه در تشهد در نماز، که گفتند خیلی از فقهاء قائل به استحباب آن شدند و به طریق اولی در اذان مستحب خواهد بود استشهاد کردند در کتاب الشهادة ‌الثالثة به کلام جمله‌ای از فقهاء:

از جمله مرحوم سلار در المراسم العلویة صفحه 73 که در تشهد نماز بگوید و ان علیا نعم الامام و در آخر هنگام سلام هم بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علی الائمة الراشدین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین. البته این ذیل در کتاب من لایحضره الفقیة جلد 1 صفحه 319 هم آمده که در تشهد نماز در رکعت آخر بگوید السلام علی محمد بن عبدالله خاتم النبیین السلام علی الائمة الراشدین المهدیین السلام علی جمیع انبیاء الله و رسله و ملائکته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

و همین‌طور صاحب حدائق در جلد 7 صفحه 451 تشهد نماز را که مطرح می‌‌کند می‌‌گوید مستحب است در تشهد نماز بگوید اشهد انک نعم الرب و ان محمدا صلی الله علیه و آله نعم الرسول و ان علی بن ابیطالب علیه السلام نعم المولی. بعد در هنگام سلام هم می‌‌گوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک و علی اهل بیتک الطاهرین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

مرحوم فاضل نراقی هم در مستند الشیعة جلد 5 صفحه 334 می‌‌گوید تشهد اکمل این است که متن موثقه ابی بصیر یا متن فقه الرضا را بخواند. بعد متن فقه الرضا را که نقل می‌‌کند همین است که اشهد انک نعم الرب و ان محمدا نعم الرسول و ان علی بن ابیطالب نعم الولی و ان الجنة حق و النار حق و الموت حق و البعث حق و ان الساعة آتیة لاریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور و در هنگام سلام هم می‌‌گوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک و علی اهل بیتک الطاهرین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین. مفاد کلام این بزرگان این است که در تشهد مستحب است شهادت به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام.

البته ایشان استشهاد به کلام شیخ مفید در مقنعه هم می‌‌کند که شیخ مفید در مقنعه صفحه 125 در دعا قنوت نماز وتر می‌‌گوید صیغه تشهد را بخواند و آن صیغه تشهد این است: اللهم انی اشهد علی حین غفلة من خلقک انک انت الله لا اله الا انت و ان محمدا عبدک المرتضی و نبیک المصطفی اسبغت علیه نعمتک و اتممت علیه کرامتک و فضلت لکرامته آله فجعلتهم ائمة الهدی تا این‌جا می‌‌رسد که اللهم صل علی امیرالمؤمنین وصی رسول رب العالمین اللهم صل علی الحسن و الحسین سبطی الرحمة و امامی الهدی و صل علی الائمة من ولد الحسین علی بن الحسین، تا می‌‌رسد و الخلف الحجة اللهم اجعله الامام المنتظر.

این استشهاد درست نیست برای این‌که آن‌‌چه که شیخ مفید در مقنعه ذکر کرده یا ذکر الله است یا ذکر النبی است یا دعا است. هیچ‌کدام شهادت به ولایت امیر المؤمنین و یا اهل بیت علیهم السلام نیست و لذا به کلام شیخ مفید در مقنعه نمی‌شود استشهاد کرد ولی کلام آن فقهائی که ایشان نام بردند، مراسم، حدائق، مستند الشیعة، نشان می‌‌دهد که در تشهد نماز می‌‌شود شهادت به ولایت داد و گفته می‌‌شود به طریق اولی در اذان هم این کار مستحب است.

بعد ایشان کلام علامه در منتهی را ذکر می‌‌کند که علامه در منتهی هم قائل به استحباب شهادت ثالثه در نماز است فضلا از اذان. چون در منتهی عبارتی دارد مرحوم علامه حلی در بحث مبطل بودن تکلم در نماز در جلد 5 صفحه 292 این‌جور می‌‌گوید: لابأس باصناف الکلام الذی یناجی به الرب تعالی لما رواه الشیخ فی الصحیح عن علی بن مهزیار قال سألت اباجعفر علیه السلام عن الرجل یتکلم فی صلاة‌ الفریضة بکل شیء یناجی ربه قال نعم و عن الحلبی قلت لابی‌عبدالله علیه السلام أُسمّی الائمة علیهم السلام فی الصلاة قال أجملهم، به اجمال برگزار کن ذکر ائمه را در نماز. بعد در کتاب الشهاده الثالثة گفتند پس علامه حلی هم در منتهی مستحب می‌‌داند شهادت ثالثه را در نماز در تشهد نماز. با این‌که این دلالت نمی‌کند بر این مطلب. که بعد بیاییم بگوییم حالا که شهادت ثالثه را در نماز ایشان مستحب می‌‌داند در اذان به طریق اولی مستحب می‌‌داند. ذکر ائمه علیهم السلام به اجمال یا تفصیل می‌‌تواند در ضمن دعا باشد، می‌‌تواند در ضمن ذکر خدا باشد که عرض کردیم. اما اگر نه در ضمن دعا است نه در ضمن ذکر خداست همین‌جور بگوییم اشهد ان علیا ولی الله این می‌‌شود تکلمی که خارج است از این عناوین راجحه در نماز و تکلم مبطل نماز است. و اتفاقا علامه حلی در کتاب منتهی که تصریح می‌‌کند، ‌تعبیری که ایشان دارد در منتهی جلد 4 صفحه 381 این است: و اما ما روی فی الشاذ من قول ان علیا ولی الله و آل محمد خیر البریة فمما لایعول علیه قال الشیخ فی المبسوط فان فعله لم یکن آثما و قال فی النهایة‌ کان مخطئا. صریحا نفی جزئیت شهادت ثالثه در اذان کرده، چه جور به ایشان ما نسبت بدهیم که حالا که شهادت ثالثه را در نماز مستحب می‌‌داند به طریق اولی در اذان مستحب می‌‌داند؟ ایشان شهادت ثالثه در نماز را نگفت مستحب است؛ مناجاة الرب می‌‌تواند منطبق بشود بر ذکر اسماء ائمه در ضمن مناجاة الرب. اللهم ان اسئلک بحق الائمة علیهم السلام کذا. اللهم صل علی الائمة علیهم السلام، و علیهم السلامش را هم به قصد دعا می‌‌گوید نه به قصد انشاء سلام.

ان‌شاءالله ادامه بحث در جلسات آینده دنبال خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.